



بررسی و مقایسه تطبیقی عشق و حضور آن در منظومه‌های حماسی کوش نامه و بهمن نامه

مریم آیین

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

دکتر حمید طیبی (نویسنده مسئول)^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

دکتر نعمت اصفهانی عمران^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۴

چکیده

دو منظومه حماسی بهمن نامه و کوش نامه، از حماسه‌های ملی است که بعد از شاهنامه فردوسی و به پیروی از آن در اواخر قرن پنجم و ششم به نظم کشیده شده و در کامل کردن روایات و داستانهای شاهنامه نقش به سزایی داشته است. با دقت و تأمل در این دو اثر می‌توان به ضرورت نظم و چاپ آثار پس از شاهنامه در زنده نگه داشتن زبان فارسی و داستانهای ایران باستان پی برد که ایرانشاه بن ابی‌الخیر، با علاقه و دل‌بستگی تمام به نظم و سرودن آن همت گماشته است. در این دو منظومه حماسی به مناسبت کشمکشها و کینه‌توزیهای فراوان بین شخصیت‌های اصلی داستان و دشمنان آنها با صحنه‌های متعدد جنگ و نبرد روبرو هستیم؛ به طوری که می‌توان اصلی‌ترین شاخصه موجود در بهمن نامه و کوش نامه را مقوله رزم و پیکار دانست و بهترین توصیف‌های موجود در این دو کتاب را خاص میدانهای رزم قلمداد کرد؛ اما در لابه‌لای این داستانهای حماسی

۱. hamidtabasi@yahoo.com.

۲. dr.esfahaniomran2018@gmail.com.

به صحنه‌هایی غنائی و عاشقانه برمی‌خوریم که در واقع محل تلاقی حماسه و غنا است. این داستانها در عین حماسی بودن، ویژگی داستانهای غنائی را در خود دارند. نویسندگان در این پژوهش به شیوه توصیفی - تطبیقی و ابزار کتابخانه‌ای درصدد آن است تا عشق و جلوه‌های عاشقانه را در این دو منظومه بررسی کند، نتایج پژوهش حاکی از آن است که این دو منظومه در عین حال که یک منظومه حماسی هستند؛ ولی جلوه‌های عشق و روابط عاشقانه هم در جای‌جای این دو اثر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: بهمن‌نامه، حماسه، ادبیات غنایی، عشق، کوش‌نامه.

۱- مقدمه

۱-۲. بیان مسأله

در میان منظومه‌های حماسی که پس از شاهنامه سروده شده، به منظومه‌ای با عنوان کوش‌نامه و بهمن‌نامه برمی‌خوریم که سروده ایرانشاه ابن ابی‌الخیر است. در بهمن‌نامه ایرانشاه نیز مثل تمام آثاری که بعد از شاهنامه تألیف شده، بخشهای غنایی دیده می‌شود. این حماسه به پیروی از حماسه سخنور نامی طوس، فردوسی سروده شده، تأثیر شاهنامه در آن به خوبی مشهود است. بهمن‌نامه درباره زندگی بهمن پسر اسفندیار روایت‌کننده شاهنامه و حوادث و ماجراهای مربوط به انتقام‌جویی بهمن از خاندان رستم است. اهمیت این منظومه بیشتر از نظر زبان فارسی و زنده نگاه‌داشتن یکی از داستانهای ایران باستان است که مأخذ آن غیر از شاهنامه فردوسی و نوشته‌های تاریخی است.

منظومه کوش‌نامه نیز از دیگر منظومه‌های حماسی است که به داستان زندگی کوش پیل‌دندان، برادرزاده ضحاک می‌پردازد که دوران یک هزار و پانصدساله عمر خود را به دشمنی با ایران و ایرانیان و ستمگری و درنده‌خوبی گذرانیده است. با توجه به موضوع کلی این دو منظومه، می‌توان گفت جنگ و نبرد از اصلی‌ترین و مهم‌ترین پدیده‌های موجود در آن دو کتاب است؛ ولی گاه و بیگاه در روند داستانها، ما شاهد صحنه‌های عاشقانه و مضامین غنایی نیز هستیم. بنا به گفته دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن «در حماسه‌های ملی، عشق و دلدادگی از نوع عشقهای مجازی بین دختر و پسر هرچند که به‌عنوان امری جانبی بیان می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۴).

کتابهای انواع ادبی، هرکدام تعاریفی در خصوص شعر غنایی ارائه کرده‌اند، ولی یکی از کامل‌ترین و روشن‌ترین آنها تعریفی است که شفیع کدکنی ارائه می‌کند: «شعر غنایی سخن گفتن از احساس شخصی است، به شرط اینکه از دو کلمه احساس و شخصی وسیع‌ترین مفاهیم آنها را در نظر بگیریم، یعنی تمام انواع احساسات از نرم‌ترین احساسات تا درشت‌ترین آنها» (شفعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱). ذبیح‌الله صفا در خصوص این عواطف و احساسات می‌نویسد: «تنها نمی‌توان عواطف عاشقانه را نمودار اصلی شعر غنایی دانست، بلکه مراد از عواطف نفسانی تمام تجلیات عواطف و احساسات بشری است، از احساسات دینی و میهن‌پرستی گرفته تا حیرت و عشق و کینه و تحسر، بیان غمهای درونی و حتی احساساتی که در قبال عظمت بی‌منتهای جهان و شگفتیها و سرگشتگی در برابر اسرار گمشده طبیعت بر آدمی ساری می‌شود.» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۴).

ادبیات غنایی در شعر فارسی دامنه گسترده‌ای دارد و به لحاظ گستردگی و قدمت نسبت به انواع دیگر ادبی دارای ویژگیهای بارزتری است.

نکته‌ای که گفتن آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، این است که نام‌گذاری انواع ادبی به دلیل غلبه و کثرت یک نوع در اثر است. یک اثر ادبی، ممکن است تمام مختصات نوع ادبی را که بدان وابسته است، نداشته یا ویژگیهای فراتر از آن نوع ادبی داشته باشد. بنابراین یک اثر ادبی هرگز به‌طور کامل به یک نوع خاص ادبی تعلق ندارد و ممکن نیست که یک اثر، تنها یک نوع ادبی داشته باشد. شفیع کدکنی معتقد است: «به‌دشواری می‌توان یک اثر ادبی را در نوع دقیق و شاخه خاص خودش قرار داد، زیرا اگر از نظرگاهی به یک نوع نزدیک باشد، از دیدگاهی دیگر به نوع دیگر شبیه است. مثلاً هجو گاهی صبغه‌ای از شعر نمایشی به خود می‌گیرد و صبغه‌ای از شعر غنایی و حتی صبغه‌ای از شعر تعلیمی، به همین جهت است که تقسیم‌بندیهای ادبی در تمام موارد دقیق نخواهد بود و به‌ضرورت در مواردی، جنبه قراردادی به خود می‌گیرد» (شفعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۹).

بنابراین درست است که ما گاهی بعضی از اشعار و منظومه‌ها را با داشتن خصوصیات و ویژگیهایی که در باب شعر غنایی آمده، غنایی می‌خوانیم و برخی دیگر را به‌واسطه داشتن خصوصیات حماسی، حماسی می‌نامیم، اما این بدان معنا نیست که مثلاً در یک اثر حماسی نتوانیم برخی خصوصیات شعر غنایی را ببینیم یا برعکس.

به بیان دیگر آثار حماسی می‌توانند محل ظهور موضوعات غنایی باشند، چرا که شخصیت‌های آثار حماسی نیز مانند تمام انسانها دارای عواطف و احساسات انسانی هستند. صفا در حماسه‌سرایی در ایران می‌نویسد: «هیچ اثر حماسی، اگرچه به نهایت کمال فنی رسیده باشد، نمی‌تواند از افکار غنایی و غزل خالی باشد و ما همیشه در بهترین منظومه‌های حماسی جهان، آثار بین و آشکاری از افکار و اشعار غنایی می‌یابیم.» (صفا، ۱۳۶۹: ۱۵).

نویسنده در این پژوهش به شیوه توصیفی - تطبیقی و ابزار کتابخانه‌ای درصدد آن است تا عشق و جلوه‌های عاشقانه را در منظومه بهمن‌نامه و کوش‌نامه بررسی کند و به این پرسشها پاسخ دهد که نحوه تلاقی و برخورد عشق و غنا در داستانهای عاشقانه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه چگونه است و تفاوت و نحوه بیان عشق حماسی و عشق غنایی در چیست؟

منظومه حماسی بهمن‌نامه و کوش‌نامه از جمله آثار حماسی هستند که به پیروی از شاهنامه سروده شده‌اند، آشکار کردن جلوه‌های غنایی این دو اثر و مقایسه آنها با هم این نکته را روشن می‌کند که بهمن‌نامه و کوش‌نامه تنها دو اثر حماسی صرف نبوده، بلکه شاعر این دو اثر با تلفیق جلوه‌های حماسی و غنایی سعی در آفرینش اثری ارزشمند داشته است. ضمن این‌که مقایسه این دو اثر، ابعاد جدیدی از هنر ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، شاعر این دو اثر را بر خوانندگان آشکار می‌کند.

از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی - تطبیقی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر انجام شده است و از دیدگاه هدف، این پژوهش، بنیادی است و در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و از راه فیش‌برداری، استفاده شده است. این پژوهش با بررسی دو منظومه بهمن‌نامه و کوش‌نامه صورت گرفته است و همان‌طور که اشاره شد، تاکنون در رابطه با بررسی و مقایسه تطبیقی عشق و حضور آن در منظومه‌های حماسی کوش‌نامه با بهمن‌نامه، تحقیقی صورت نگرفته و مقاله حاضر، اولین پژوهشی است که در این خصوص انجام شده است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

-میلاد جعفرپور (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل ژرف ساخت گونه عشق و پیوند در حماسه»، نوزده روایت منظوم و منثور حماسی را مورد بازخوانی قرار داده، برآیندهای آن به شکل توصیفی و تحلیلی در چهار بخش، ارتباط

مستقیم عشق با نام و ننگ و نقش این تعامل در آفرینش حماسه، دگرذیسی قهرمان حماسه در چهره عاشق، پیوند با شاهدخت بیگانه و روایت‌شناسی گونه عشق حماسی، بررسی کرده است.

- ابراهیم استاجی (۱۳۹۱)، در مقاله «ساختار و ویژگیهای داستانهای عاشقانه- حماسی»، ساختار و ویژگیهای این داستانها را در شاهنامه بحث و بررسی نموده، آنها را از نظر راوی، وزن، استقلال یا عدم استقلال، هدف دار بودن، منجر شدن به ازدواج، نوع عشق، مطرح کرده، حوادث و حالات عشق، پند و موعظه و ... را مورد بررسی قرار داده است.

- لیلا هاشمیان و بهزاد اتونی (۱۳۸۹)، در مقاله «آموزه‌های حکمی و اخلاقی در بهمن‌نامه و جستاری در ریشه‌های ایرانی و اسلامی آن»، به این موضوع اشاره کرده است که ایرانشاه بن ابی‌الخیر، مانند دیگر ناظران داستانهای حماسی، آشنایی کامل به اعتقادات و معارف ایرانی و اسلامی داشته و بازتاب این اندیشه‌ها را به‌طور آشکار می‌توان در آموزه‌های حکمی و اخلاقی بهمن‌نامه مشاهده کرد. در این پژوهش سعی گردیده تا علاوه بر بیان این آموزه‌ها، ریشه‌های اسلامی و ایرانی آنها کاویده شود.

- حمید جعفری قریه علی (۱۳۸۸)، در مقاله «سنجش بهمن‌نامه با شاهنامه» درصدد آن است تا ضمن سنجش بهمن‌نامه با شاهنامه، ویژگیهای این منظومه حماسی ملی را بررسی کند.

- قهرمان سلیمانی (۱۳۷۸)، در کتاب «حماسه‌کوش‌نامه»، روایت زندگی پرفراز و فرود کوش پیل دندان، فرزند کوش برادر ضحاک ماردوش پرداخته است.

- رقیه احمدیان دیزجی (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «پیوند عشق و حماسه در سه منظومه شاهنامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه» داستانها و مضامین غنایی و عاشقانه دو منظومه کوش‌نامه و بهمن‌نامه از ایرانشاه بن ابی‌الخیر، را با مضامین غنایی شاهنامه فردوسی مقایسه کرده است و به این نتیجه رسیده است که در سرودن داستانهای عاشقانه حماسی، قبل از هر چیز، به نظم در آوردن داستانها و روایتهای حماسی و ملی، مطمح نظر این دو شاعر بوده است و از دیدگاه سنجشی، مسأله غنا پس از حماسه قرار می‌گیرد.

- گیتی ایمانی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود با عنوان «مقایسه ساختاری و محتوایی جنبه‌های غنایی شاهنامه (بخش پهلوانی) و بهمن‌نامه»، بعد از مقایسه مضامین غنایی شاهنامه با مضامین غنایی بهمن‌نامه به این نتیجه رسیده است که در همه موضوعات غنایی، بسامد نمونه‌ها در شاهنامه بیشتر از بهمن‌نامه بوده و این منظومه حماسی در همه موضوعات غنایی چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ محتوایی از شاهنامه تأثیر پذیرفته است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- کوش‌نامه

از منظومه‌های حماسی که به پیروی از شاهنامه و در قرن پنجم هجری سروده شده است، می‌توان کوش‌نامه را نام برد. کوش‌نامه، منظومه‌ای است در ۱۰۱۲۹ بیت و موضوع آن داستان زندگی کوش پیل دندان، برادرزاده ضحاک است. ذبیح‌الله صفا در ضمن خلاصه‌ای از داستان کوش پیل دندان از مجمل‌التواریخ و القصص می‌آورد: «کوش پیل دندان پسر کنعان پسر کوش یا کوش پیل دندان پسر کوش برادرزاده ضحاک است که چند گاهی پیش از فریدون و به عهد او عصیان کرد و سلطنت داشت و با خاندان جمشید و فریدون دشمنیها نمود و چون فریدون از کار ضحاک پرداخت قارن پسر کاوه را به چین فرستاد تا کوش را بگیرد و اسیروار نزد فریدون آورد. فریدون کوش پیل دندان را به زندان افکند و پس از چندی از بند برگشاد و پادشاهی جنوب و مغرب بدو داد؛ اما بعد از مدتی عاصی گشت و باز خلاف و جدال میان آنان پدیدار شد.» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۹۷).

از مطالعه کتب تاریخی مقدمه مصحح چنین برمی‌آید که کوش‌نامه داستان زندگی کوش پیل دندان است که در آن به جنگاوریها و ستمگریهای دوران طولانی ۱۵۰۰ ساله عمرش با ایرانیان اشاره شده است. پیل دندان در دوران پادشاهی عموی خود ضحاک به دنیا می‌آید و دوره زندگی اش هم‌زمان می‌شود با پادشاهی ضحاک و فریدون تا کیکاووس.

«این کتاب شامل یک مقدمه و دو بخش جدا از هم است: بخش اول که بیت‌های (۲۲۷-۹۱۸) را شامل می‌شود از شخصی سخن به میان می‌آید که در چهره و نام با کوش پیل دندان، قهرمان اصلی داستان، اشتراک داشته و مانند او ستمگریها و حيله‌گریها از خود نشان داده است و به جنگ و نبرد می‌پردازد و در اواخر این بخش، شاعر ضمن اشاره به اینکه اسکندر در خاور، مجسمه کوش پیل دندان را می‌بیند و می‌خواهد درباره کوش پیل دندان اطلاعاتی به دست آورد از شخصی به نام مهانش، که بعداً خود را از خاندان جمشید معرفی می‌کند، درخواست می‌کند که درباره کوش به او توضیحاتی بدهد. او نیز سرگذشت کوش پیل دندان را برای اسکندر بازگو می‌کند و سپس از بیت‌های (۹۱۹-۱۰۱۲۹) قسمت اصلی داستان که همانا سرگذشت کوش پیل دندان است آغاز می‌شود و به جنگها و ستمگریهایش با ایرانیان و ماجراهای او می‌پردازد.» (ایران‌شاه، ۱۳۷۷: مقدمه)

بهمن نامه یکی از منظومه‌های مهم حماسی است که بعد از فردوسی به پیروی از شاهنامه به وسیله ایرانشاه بن ابی‌الخیر در قرن پنجم در بحر متقارب و در ۱۰ هزار بیت با موضوع زندگی بهمن و ستیزه‌های او با خاندان رستم سروده شده است. «بهمن نامه مانند همه روایاتی که به پیروی از شاهنامه، ساخته شده، منظومه‌ای است به بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور. تعداد ابیات آن به ۱۰ هزار بیت و در بعضی نسخه‌ها بیشتر می‌رسد و نسبت به بعضی از منظومه‌های حماسی، دقت بیشتری در نظم آن به‌کاررفته است.» (عفیفی، ۱۳۷۱: ۱۲).

تاریخ دقیق سرایش بهمن نامه مشخص نیست؛ ولی بر طبق نظر صفا و ملک‌الشعراى بهار این منظومه، اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم سروده شده است. ذبیح‌الله صفا نظم آن را به‌پیش از حدود سال ۵۲۰ می‌داند و می‌نویسد: «اولاً مجمل‌التواریخ در این سال تألیف شده، بنابراین نظم اخبار بهمن که صاحب‌مجمل به آن اشاره کرده است باید پیش از این سال صورت گرفته باشد و ثانیاً حتی اگر جمالی مهریجردی آن را به نظم درآورده باشد، باز باید آن را متعلق به قرن پنجم دانست.» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۹۳).

به گفته صاحب‌مجمل‌التواریخ سراینده بهمن نامه، ایرانشاه بن ابی‌الخیر است؛ ولی در مجمع‌الفصحا، رضاقلی خان هدایت آن را به جمالی مهریجردی نسبت داده است. «(هدایت، بی‌تا: ۴۹۴)

۲-۳- مضامین غنایی در بهمن‌نامه و کوش‌نامه

اولین اصطلاحی که از میان موضوعات غنایی در ذهن هر خواننده‌ای نقش می‌بندد، عشق است که رابطه‌ای آشکار با عواطف انسانی دارد. می‌توان گفت برجسته‌ترین موضوع غنایی نیز عشق است و با توجه به این‌که یکی از موارد تشابه منظومه‌های حماسی، پیوند حماسه و عشق است و در کتاب حماسه‌سرایی در ایران در این خصوص آمده است که: «هیچ اثر حماسی، اگرچه به نهایت کمال فنی رسیده باشد، نمی‌تواند از افکار غنایی و غزلی خالی باشد و ما همیشه در بهترین منظومه‌های حماسی جهان، آثار مُبیین و آشکاری از افکار و اشعار غنایی می‌بینیم» (صفا، ۱۳۸۹: ۱۶).

در ادامه مبحث، نگارنده بهمن‌نامه و کوش‌نامه، دو اثر ایرانشاه ابی‌الخیر را از نظر کاربرد مضامین عاشقانه و غنایی مورد مقایسه و بررسی قرار داده است. از فحوای سخن ایرانشاه چنین برمی‌آید که نویسنده در سرایش این اثر، علاوه بر شاهنامه حکیم طوس، به دیگر آثار پیش از خود نیز نظر داشته است.

یکی داستان گفت گوینده مرد که دل‌ها ز مهر زنان کرد سرد
ز رامین و از ویسه زشت‌نام ز آغاز شادی سرانجام کام

(ایرانشاه، ۱۳۷۰: ۱۷۹)

از ابیات فوق چنین برمی‌آید که ایران‌شاه در داستان‌پردازی خود به داستان غنایی ویس و رامین توجه داشته است.

«ایران‌شاه در بخش‌های مختلف دو منظومه نیز، شباهتهایی همچون توصیف قهرمان داستان، وصف جسمانی معشوقگان، ارتباط طرفین عشق از کودکی، ازدواج ناخواسته، آذین‌بندی به تکلف در جشن عروسی، وجود دایه برای معشوق که مانند شخصیتی قراردادی در بیشتر منظومه‌های قدیمی حضور دارد، فاش شدن راز عشق، بدگویی از زنان، گله از سرنوشت و ... موجب تقویت تأثیرپذیری ایران‌شاه از منظومه «ویس و رامین» شده است. در هر صورت، نگارنده، مشترکات دو منظومه را ذیل عناوین متعدّد ذکر کرده و در همه موارد، به هر دو منظومه نظر داشته است.» (احمدیان دیزجی، ۱۳۹۵: ۸۸).

۳- مضامین مشترک

۳-۱- غالب بودن همسر در نبرد

در گذشته معمولاً جوان جفت جوی برای رسیدن به فرد مورد نظر آزمونها و دشواریهایی را باید از سر می‌گذراند. «در جوامع و قبایل کهن یکی از آیینهای پرتکرار ازدواج، مراسم یا سنت آزمودن خواستگاران بوده است. بدین معنی که یا دختر و یا خود او به شیوه‌های مختلف، خردمندی و غالباً زور و مردی جوان را می‌سنجیدند و هرکسی را که از عهده این آزمون برمی‌آمد به دامادی یا همسری برمی‌گزیدند. منظور از این کار اطمینان از شایستگی خواستگار و مهم‌تر از آن، مطابق این باور زن سالارانه که ازدواج با دخترشاه سبب پادشاهی داماد خواهد شد، تأیید تواناییهای شهریار آینده بوده است. بر پایه روایات و افسانه‌های پهلوانی، اگر دختر پهلوان بانو و جنگجو باشد، شرط و آزمون ازدواج با او برتری بر وی در میدان نبرد و زورآزمایی است.» (آیدانلو، ۱۳۸۶: ۲۲۰)

بوراسب برای کسی که خواهان همسری دختر پهلوان اوست، دو شرط گذاشته که یکی غلبه بر دختر در آوردگاه است:

یکی آن که با او نبرد آورد سر خود او زیر گرد آورد

(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۵۱۴)

آذربرزین از عهده این کار و آزمون دیگر که بر زمین زدن سیاه پیل پیکر در کشتی است، برمی‌آید و داماد بوراسب می‌شود:

دگر آن که دارم سیاهی درشت نهد بر زمینش به هنگام پشت
(همان: ۵۱۴)

همای دختر پادشاه مصر، نصر حارث که در چوگان و رزم هیچ کس حریف او نیست، سوگند خورده است تا با مردی ازدواج کند که در نبرد بر او چیره شود. بهمن دو بار او را شکست می‌دهد و نشان می‌دهد که شایستگی همسری وی را دارد:

ما با خداوند سوگند بود روانم به سوگند در بند بود
که تا باشد این کیش و آیین من نیابد سر مرد بالین من
جز آن کس که با من نبرد آورد سر خود من زیر گرد آورد
(همان: ۱۳۲)

«گاهی نیز پدر شاهدخت به دلایلی همچون تک‌فرزند بودن دختر، زیبارویی و یا دلباختگی نسبت به دختر، نقشی احتکاری را در پیش می‌گیرد و ورود قهرمان به قلمرو این اندیشه، او را وادار به مقاومت و ایجاد موانع در برابر پیوند آنها می‌کند. از جمله در کوش نامه، کوش پیل دندان متوجه دلباختگی و پیوند نهانی شاهدخت با یکی از نزدیکانش به نام کیانش می‌شود. کوش پیل دندان کیانش را کشته و برای مکافات، سر وی را بر گردن نوش لب ماه چهر (دخترش) می‌آویزد.» (احمدیان دیزجی، ۱۳۹۵: ۹۸).

سرش همچنان چون سر گوسفند بریدند در پیش تخت بلند
در آویخت از گردن ماه چهر همی بوس، گفت این لبان را به مهر
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۴۱۹)

در برخی موارد نیز نه شرطی وجود دارد و نه آزمونی، بلکه بیشتر نوعی پیمان میان پدر شاهدخت و قهرمان است. عشق رستم به روشنه شاهدخت خاقان چین و صلح کردن بهمن و خاقان با آذربرزین و پیوند رستم و روشنه، نشانی از اعتماد دو طرف است.

تو با روشنه جام باده‌گسار که من رفت خواهم بر شهریار
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۵۷۸)

او چون دو بار از بهمن شکست می‌خورد، می‌پذیرد «که جز تو نباشد کسی شوی من».

۳-۲- ازدواج نکردن با بیگانگان

ازدواج درون همسری رسمی است که بر اساس آن فرد، همسر خویش را با توجه به مسائل نژادی، قبیله‌ای و غیره انتخاب می‌کند. «برون همسری رسم و ضابطه‌ای است که بر اساس آن، فرد به‌عنوان عضو گروه بایستی

همسر خود را از گروهی دیگر انتخابات کند.» (روح‌الامینی، ۱۳۷۵: ۱۴۷). ازدواج‌هایی که در بهمن‌نامه یاد شده است، معرف نوع ازدواج‌های برون طایفه‌ای است. «بهمن پس از رسیدن به پادشاهی، دستورش جاماسپ او را راهنمایی می‌کند که زنی از تخمه بزرگان انتخاب کند، رستم گفته او را تأیید و دختر پادشاه صور کشمیر را پیشنهاد می‌کند.» (ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۱۷). پس از آنکه نقشه لولو و کتابیون در براندازی بهمن بی‌نتیجه ماند، بهمن به مصر رفته، با دختر شاه مصر ازدواج می‌کند. از آنجاکه اختلاف سطح فرهنگی و قومی از عوامل اختلاف میان زن و شوهر است، هنگام انتخاب همسر برای بهمن جاماسپ دانا توصیه می‌کند که شاه سیم‌تنی از نژاد ایران را برگزیند و نژاد ایرانی برتر از همه نژادها دانسته شده است:

از ایران اگر شاه را بایدا گزیدن یکی سیم‌تن شاید
زتخم بزرگان ایران زمین که با تاج و تختند و مهر و نگین
نینی که دهقان فرخ چه گفت که همسر گزیند همه مرغ جفت
به ایران بتانند بس دلفریب دو دیده ز دیدارشان ناشکیب
(همان: ۲۶)

از ابیات بهمن‌نامه چنین برمی‌آید که پایه‌گیری ازدواج بهمن با کتابیون، دختر شاه کشمیر، در دلدادگی بهمن نهفته است. به شهریار ایران زمین خبر می‌رسد که شاه کشمیر دختری زیبا و برخوردار از فرهنگ و دانش دارد که شایسته همسری وی است. تعریف و تمجید از کتابیون، شاه ایران را دلباخته شاهزاده کشمیر می‌کند تا این‌که فرستاده‌ای را برای خواستگاری می‌فرستد. کتابیون که قلباً به این ازدواج راضی نیست، ازدواج با بیگانگان را امری ناپسند می‌داند.

کسی را که هوش است و فرزاندگی چرا جست بایدش بیگانگی
اگر سر بدین کار بنهادمی به بیگانگی تن کجا دادمی
که بیگانه گرچه یگانه بود بود خوار گرچه به خانه بود
(همان: ۴۱)

«در بهمن‌نامه می‌بینیم که شاه صور کشمیری علی‌رغم ننگی عظیم که از دادن شاهدخت خود به بیگانگان دارد، زمانی که با نامه و درخواست فرامرز و رستم مواجه می‌شود، برای حفظ پادشاهی، داشتن پشتیبان و آسیب ندیدن هندوان از ایرانیان، چاره‌ای جز دادن کتابیون به بهمن ندارد و جز این مصلحت نمی‌بیند. کتابیون هم در ریزنی با پدر برخلاف میل و رغبتش، صلاح کشور و پادشاهی را در این کار می‌بیند تا اینکه پیش از

رفتن به ایران، خواب شاه صور، تلاش کتایون برای تصاحب پادشاهی در آینده از طریق فرزند را آشکار می‌کند.» (احمدیان دیزجی، ۱۳۹۵: ۹۹).

چنان دید کز سوی ایرانیان یکی کزای شد پی مادیان
 بیامد دوان تا بر تخت اوی نکرد ایچ اندیشه از بخت اوی
 لگد زد فراوان که نتوان شمرد یکی پایه تخت بشکست خرد
 ز خواب اندر آمد جهان‌دیده شاه رمیده دل و هوش گشته تباه
 بر دختر آمد هم اندر شتاب بدو بازگفت آنچه دیدش به خواب
 کتایون بدو گفت جز خرمی نباشد نگر تا نباشد غمی
 ازین خواب ناید تو را بیش و کم به ایران رسد مر مرا این ستم
 (ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۳۷)

در پایان داستان عشق‌ورزی بهمن به کتایون، خوابش به واقعیت مبدل شد و کتایون با تحریک و دستکاری لولو، بهمن را از سلطنت خلع کرد و خودش به پادشاهی ایران رسید.

۳-۳- عاشق شدن با دیدن

یکی از مضامین ادبیات غنایی، عاشق شدن از راه تماشا و دیدن معشوق است. این مورد در هر دو منظومه بهمن‌نامه و کوش‌نامه دیده می‌شود. «عاشق شدن در نظر اول، اگر از دیدگاه واقع‌گرایی نگریسته شود، عیبی است که نه تنها شاهنامه که سراسر ادبیات ما را فراگرفته است. فردگرایی فردوسی هم نمی‌توانسته است، هیچ تأثیر و دخالتی در این امر سنتی که خود مشمول همان ویژگی مبالغه‌دوستی با کمال‌گرایی و تمایل به حذف و گزینش است، بکند و آن را به وجهی منطقی‌پذیر تغییر دهد» (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۵۱).

در بهمن‌نامه آمده است، پس از گریختن بهمن به مصر، در مسابقه چوگان و رزم با همای مبارزه می‌کند و او را شکست می‌دهد و درنبردی دیگر نیز همای از بهمن شکست می‌خورد و اعتراف می‌کند که شکست‌خورده است که با مردی ازدواج کند که در نبرد بر او چیره شود و اکنون که بهمن او را دو بار شکست داده است، شایستگی همسری او را دارد.

شخصیت همای در این داستان او این بار توسط یک رهگذر برای پارس پرهیزگار به خواننده معرفی می‌شود. رهگذر در ضمن توصیف همای، از آیین مرسوم و مسابقه چوگان که هر ساله در شهرشان برگزار می‌شود، سخن می‌گوید:

چنان است آیین و هم راه ما کجا نصر حارث بود شاه ما

مر او را یکی دختری چون پری که هرگز نبینی بدان دلبری
ستاره فشانند چو خندان شود هرآنکه کان مه به میدا شود
بدین کار هرسال چوگان زند یکی اسب را سوی میدان زند...
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۱۱۶)

پارس پرهیزگار سخنان رهگذر را به بهمن انتقال می‌دهد. بهمن تصمیم می‌گیرد به تماشای مسابقه برود. بدین ترتیب بهمن اولین بار همای را در مسابقه‌ای که هر سال در شهر برگزار می‌شد، می‌بیند. بهمن شاهد هنرنمایی همای در مسابقه است؛ ولی از این‌که مردی هم‌اورد دختر پیدا نمی‌شود تعجب می‌کند و چنین می‌گوید:
چو بهمن چنین دید گفت این نگر به مصر اندرون نیست یک نامور
که با دختری او نبرد آورد سر خود او زیر گرد آورد
(همان: ۱۱۷)

اظهار تعجب و شگفتی بهمن از این مسئله، توسط یکی از سپاهیان به گوش شاه می‌رسد. شاه بهمن را فرامی‌خواند و پس از شنیدن صحبت‌های او قرار می‌گذارد که مبارزه‌ای بین بهمن و همای برگزار شود. در مسابقه بعد از رجزخوانی، دو طرف به مبارزه می‌پردازند و در نهایت بهمن پیروز می‌شود:

بدو گفت بهمن تو را دیده‌ام به جنگ و نبرد پسندیده‌ام
ولیکن چو شیر آمد آهو رمید رمیده کسی شیر از آهو ندید
همای دلاور برافروخت روی برانگیخت اسب و برانداخت گوی
(همان: ۱۱۷)

در بهمن‌نامه، ایران‌شاه بن ابی‌الخیر لحظه دیدار بهمن با همای، دختر شاه مصر را با فریاد بهمن پس از برگشادن نقاب از چهره شاهدخت مصر، چنین توصیف می‌کند:

بگفت این و بر شاه بگشاد روی برآورد بهمن یکی سخت هوی
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۱۳۲)

صحنه و لحظه دیدار بهمن با کتایون، شاهدخت نابکار کشمیری، نیز خالی از لطف نیست:

درآمد شب و بهمن آمد برش بدید آن رخ خوب و آن پیکرش
کسی را کزان سان شکرلب بود شبش روز باشد کجا شب بود
فروغ گهرهای تابان، رخس همی روز کرد آن رخ فرخس

چو بهمن بدید آن چنان فرّ و زیب شد از دیدنش درزمان ناشکیب
 همی گفت با خویشتن کاین پرست کدامین پری کو بدین دلبری است
 (همان: ۵۹)

و «اما در کوش نامه، شاید نگاه عاشقانه کوش پیل دندان، چندان محلی از اعراب نداشته باشد؛ چه، این شاه ایرانی ظلم پیشه، هر که را که می دید، بدو ابراز عشق می کرد، چنانکه خواستار کام طلبیدن از دختران خویش شد. خواستی اهریمنی که مرگ و نابودی آن دو شاهدخت را همراه داشت؛ اما بیان نگاه کوش پیل دندان در داستانهای عاشقانه ای که داشت، از این جهت می تواند مفید باشد که به زعم نگارنده، در حقیقت، این کوش نیست که احساسات و واکنش عاشقانه اش سروده می شود؛ بلکه سراینده داستان است که تلاش می کند به جلد کوش پیل دندان وارد شود و معشوق را از درون حدقه چشم کوش ببیند.» (احمدیان دیزجی، ۱۳۹۵: ۹۴).

عشق ورزی کوش پیل دندان با «نگارین»، دختر نوشان، شاید بتواند مصداقی برای این ادعا باشد؛ زیرا عشق بازی و هوس برای کوش پیل دندان، به سبب افراط او در زشت کاری و هم آغوشی با زنان و دختران گونه گون، به امری عادی و معمولی بدل شده بود:

چنان شیفته شد چو او را بدید که همچون کبوتر دلش برپرید
 بیبوست با او شب و روز مهر همی بود شادان بدان خوب چهر
 (ایران شاه، ۱۳۷۰: ۴۱۵)

در منظومه «کوش نامه»، تنها در داستان عشق آبتین (پدر فریدون) به فرانک است که وی با شنیدن اوصاف شاهدخت از زبان «فرع»، شیفته دیدار و پیوند با فرانک می شود و این، تنها مورد در کوش نامه است که عاشق شدن از راه گوش صورت می بندد.

فرع چون ز گفتار لب را بیست دل آبتین داغ دختر به خست
 به مغز اندرش مهر آتش فروخت به یکباره شرم و خرد را بسوخت
 دل اندر بر او پریدن گرفت شکیبایی از دل رمیدن گرفت
 بدو گفت کای مایه راستی بدین گفته اندوه من خواستی
 (همان: ۳۳۱)

۳-۴- تمجید از زنان و دختران

در بهمن نامه ایران شاه بن ابی الحیر، از صفات پسندیده و اخلاق حمیده زنانی همچون همای و کتایون صحبت به میان آمده است. «ویژگی مهم داستانهای عاشقانه، حالت

مینیاتوری شخصیت‌های زن داستان است. ظاهر همه زیباست و اوصاف زیبایی‌هایشان در محتوا یکسان است و اوصاف درونی آنها نیز درست موافق تصورات مردان باستان از زن است که کم و بیش همه در جستجوی کام، از نام می‌گذرند.» (سرامی، ۱۳۸۸: ۸۲۰). این زنان گاهی اوصاف و زیبایی و قدرت و جنگاوری‌شان از مردان بالاتر و برتر می‌رسد:

همای دل‌افروز گفت: ای سوار مرا با تو لشکر نیاید به کار
چو آسیب من زی روانت رسد سر نیزه من به جانت رسد
بدانی تو ای گرد رزم‌آزمای که با رزم شیران نداری تو پای
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۱۳۱)

«در حماسه کوش‌نامه، به جز صفات پسندیده‌ای که ایران‌شاه برای فرانک برشمرده است، به خویشتن‌داری دختران کوش پیل دندان هم اشاره کرده است.» (ایران‌شاه، ۱۳۷۷: ۹۵). آنان در مقابل هوس‌بازی پدر که خواستار ازدواج با ایشان بود، سر فرود نیاوردند و عاقبت دیدند آنچه دیدند. «ماه چهر» نخستین دخترش چنانکه پیش‌تر گفته شد دو سال با سر بریده دل‌داده خویش، کیانش که بالاجبار بر گردنش آویختند، زندگی کرد و سپس با دو سر بی‌جان، از دنیا رفت. دختر دیگر کوش پیل دندان نیز به خاطر نافرمانی از دستور پدر، سرش را بردند.

به مستی مر او را شبی پیش خواند بر او خوب‌چهر آستین برفشاند
زن پاک‌دامن نشد پیش اوی دژم شد ز دختر دل‌ریش اوی
به مستی سرش پست ببرید و گفت چو ما را نه‌ای خاک بادات جفت
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۶۵۵)

۳-۵-۴- خیانت معشوق

دو ماه از ازدواج کتایون و بهمن گذشته بود که کتایون به بهمن می‌گوید که آرزو دارد غلام خود لؤلؤ را ببیند اگر شاه بهمن این خواسته او را برآورده سازد بسیار سپاسگزار وی خواهد بود. بهمن نیز می‌پذیرد و مقدمات آمدن لؤلؤ به ایران فراهم می‌آید. در طول مدتی که لؤلؤ در کاخ به سر می‌برد بهمن علی‌رغم مخالفت جاماسب و پشوتن او را گرامی داشته، هر روز پایگاه لؤلؤ را بالا برده، گنج و سپاه را در اختیار او گذاشته و تمام اختیارات ملک را به او واگذار می‌کند

در زمان حضور لؤلؤ در کاخ، فرصتی یک ماهه برای دو دلدار پیش می‌آید؛ زیرا کتایون به بهانه اینکه زنان بزرگان می‌خواهند مرا ببینند، بهمین را یک ماه به شکار می‌فرستد و به این ترتیب مجالی برای کتایون و لولو فراهم می‌شود تا پس از یک سال دوباره با هم خلوت کنند. کتایون نامه‌ای به لؤلؤ نوشته و همراه یکدست لباس زنانه توسط کنیزی برای او می‌فرستد تا با این ترفند به کاخ بیاید. او از این فرصت استفاده می‌کند و یک ماه از معشوق کام می‌گیرد. بهمین زمانی که از ماجرای خیانت کتایون آگاه می‌شود که تا مرگ بیش از یک قدم فاصله ندارد. از لوازم قدرت نیز چیزی در دست او نیست زیرا بهمین در طول یک سال ارتباط با کتایون که درخواست او برای اثبات میزان عشقش به او گنج و سپاه را در اختیار لولو قرار داده است.

به نزدش کتایون یکی نامه کرد که ای دیده از ما بسی داغ و درد
کتایون صور آن پرستار تُست نگشته است از آن آتش مهر سست
مرا جانی و جان فدای تو باد تن و جان من خاک پای تو باد
مرا شوی گرچه شه سرکش است ز عشق تو جانم پر از آتش است
(ایران‌شاه، ۱۳۷۰: ۷۶)

لؤلؤ هنگام غیبت بهمین از این فرصت استفاده کرده و با بذل و بخشش دل لشکریان را به دست آورده، آنها را علیه بهمین متحد کرده است تا طبق نقشه کتایون هنگام بازگشت بهمین او را کشته، خود شاه شود. او طبق نقشه، بهمین را به خانه دعوت می‌کند و لشکریان را با زره و سلاح آماده نگاه می‌دارد و نقشه خود را عملی کند؛ اما در این میان پارس به طور اتفاقی از ماجرا آگاه می‌شود و با زیرکی بهمین را از آنجا بیرون می‌آورد و بهمین پس از جنگ طولانی به مصر فرار می‌کند.

در اینجا نیز سخن از خیانت یک زن است که در عین شوهر داشتن، بیگانه‌ای را به بالین خویش راه می‌دهد و نتیجه این کار، علاوه بر تباهی و فساد، محقق نشدن آرزوی دیرینه او (کتایون) برای فرزند دار شدن و تصاحب پادشاهی از طریق وی است. «در کوش نامه، وجه غالب پیرامون موضوع خیانت، حول محور کوش پیل دندان می‌چرخد و عاشق شدن او بر دخترانش، روی دیگر زنان نابکار را قیرگون می‌کند و دیگر مجالی برای پرداختن به بی‌وفایی زنان برای سراینده باقی نمی‌گذارد؛ چراکه خیانت یک زن، به سیاهی، هم‌بستر شدن یک پدر با دخترانش، به هیچ روی یکسان نخواهد بود و این در جنب آن، به قول بیهقی در تاریخ مسعودی (تاریخ بیهقی) «قطره‌ای است از رودی» (احمدیان دیزجی، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

- در بهمن‌نامه و کوش‌نامه موضوعات و مضامین غنایی در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند و هدف اصلی، روایت تاریخ حماسی ملت‌هاست.

- برخی ویژگیهای موجود در بخشهای غنایی این دو اثر، بسیار مشابه یکدیگر هستند و تکرار شده‌اند؛ از جمله: فاصلهٔ کوتاه عشق‌ورزی تا پیوند و وصال و عاشق شدن از راه چشم در اولین نگاه و یا از راه گوش با شنیدن اوصاف معشوق.

- داستانهای عاشقانهٔ حماسی دستاویزی برای کسب نام و ننگ به شمار می‌آیند؛ چرا که معمولاً شاه بیگانه که دچار ضعف اقتدار و تهدید از سوی کشورهای همسایه (دشمنان) است، برای پیوند قهرمان با دخترش زیرکانه شرایطی را مطرح می‌کند که به نوعی، آزمون ازدواج است.

- مشترک‌ترین نقطهٔ این دو حماسه، انبرانی بودن معشوق قهرمانان است. این مسأله در بهمن‌نامه و کوش‌نامه صد درصد است، در بهمن‌نامه، کتایون، هندی و همای، شاه دختر مصری است.

- ازدواج با محارم، مضطرب‌ترین ویژگی برخی عاشقانه‌های حماسی است. در بهمن‌نامه این مسأله منتفی است و اصلاً وجود ندارد، اما در کوش‌نامه، برادرزاده، دواسبه و شتابان، به دنبال عموی خود، ضحاک ماردوش، رفته است و خوی ضحاک به خود گرفته. از همین روی، کوش پیل دندان دو بار از دو دختر خودکام می‌طلبد، اما ناکام می‌ماند و به همین سبب، دختران خود را می‌کشد.

- در کوش‌نامه زنان همگی پاک‌دامن، وفادار و خردمند و گاهی جنگجو و با صفات مردانگی توصیف شده‌اند. اما در بهمن‌نامه، کتایون، زنی خائن و زشت‌کردار است.

در باب تفاوت عشق حماسی و عشق غنایی باید گفت، هر دو اثر حماسی بهمن‌نامه و کوش‌نامه، عاشق و معشوق فعال هستند و نقش اجتماعی زنان در آنها پررنگ‌تر از داستانهای غنایی صرف (معص) است و این یک تمایز اساسی است. ضمن اینکه در عاشقانه‌های حماسی آثار مورد پژوهش، معمولاً دلدادگان به وصال یکدیگر می‌رسند. علاوه بر اینها، معشوق ماهیت غنایی آن‌چنانی ندارد، بلکه پهلوان بانو شده، در میدان نبرد شرکت می‌کند.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱)، چهار سخنگوی وجدان ایران: فردوسی، مولوی، حافظ و سعدی، تهران: قطره.

ایران‌شاه بن ابی‌الخیر (۱۳۷۱)، بهمن‌نامه، ویراسته رحیم عفیفی، تهران: علمی و فرهنگی.

۱- _____ (۱۳۷۷)، کوش‌نامه، به کوشش جلال متینی، تهران: علمی

آیدنلو، سجّاد؛ خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶)، نارسیده ترنج، تهران: نقش‌مانا.

حمیدیان، سعید، (۱۳۷۳)، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، تهران: مرکز.

روح‌الأمینی، محمود. (۱۳۷۵)، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: آگاه.

سّرامی، قدمعلی. (۱۳۸۸)، از رنگ گل تارنج خار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی..

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات در ایران ج ۲، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۶۹)، حماسه‌سرایی در ایران، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

عفیفی، رحیم (۱۳۷۱)، مقدمه بر بهمن‌نامه، اثر ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، تهران: علمی فرهنگی.

هدایت، رضا قلی خان (بی‌تا)، مجمع الفصحاء جلد ۵، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم،

تهران: امیرکبیر.

مقالات

احمدیان دیزجی، رقیه (۱۳۹۵)، «پیوند عشق و حماسه در سه منظومه شاهنامه، بهمن‌نامه و کوش -

نامه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر عاتکه رسمی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

استاجی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «ساختار و ویژگیهای داستانهای عاشقانه حماسی»، درّ دری (ادبیات

غنائی - عرفانی)، دوره ۱، ش ۱، صص ۲۶ - ۴۷.

- ایمانی، گیتی (۱۳۹۸)، «مقایسه ساختاری و محتوایی جنبه‌های غنائی شاهنامه (بخش

پهلوانی) و بهمن‌نامه»، رساله دکتری، به راهنمایی دکتر بهناز پیامی، دانشگاه پیام نور.

جعفرپور، میلاد (۱۳۹۳)، «تحلیل ژرف‌ساخت گونه عشق و پیوند در حماسه»، شعر پژوهی، دوره

۶، ش ۴، صص ۸۱ - ۴۷.

جعفری قریه علی، حمید (۱۳۸۸)، سنجش بهمن‌نامه با شاهنامه، مطالعات ایرانی، ش ۱۵، صص

۲۲۲ - ۱۹۷.

سلیمانی، قهرمان (۱۳۷۸)، «حماسه کوش‌نامه»، از کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۱۹، صص ۳۰

- ۳۱.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی» خرد و کوشش، ش ۱۱، صص ۹۶-۱۱۹.
- هاشمیان، لیلا، اتونی، بهزاد، (۱۳۸۹)، «آموزه‌های حکمی و اخلاقی در بهمن‌نامه و جستاری در ریشه‌های ایرانی و اسلامی آن»، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۱، ش ۲، صص ۱۵۷-۱۷۲.

Sources and references

Book

Eslami Nadushan, Mohammad Ali (۲۰۰۲), Four Spokesmen of Iran's Conscience: Ferdowsi, Molavi, Hafez and Saadi, Tehran: Qathr.

Iranshah bin Abi-al Khair (۱۹۹۳), Bahman Nameh, edited by Rahim Afifi, Tehran: Scientific and Cultural.

_____ (۱۹۹۹), Kushmaneh, by Jalal Metini, Tehran: Scientific Aydanlu, Sajjad; Khaleghi Mutlaq, Jalal (۲۰۰۸), Narsideh Taranj, Tehran: Naqsh Mana.

Hamidian, Saeed, (۱۹۹۵), an introduction to Ferdowsi's thought and art, Tehran: Center.

Rooh Amini, Mahmoud. (۱۹۹۷), cultural and social manifestations in Persian literature, Tehran: Aghaz.

Sarrami, Gadhamali. (۲۰۰۸), From the color of flowers to the pain of thorns, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Safa, Zabihullah (۲۰۱۱), History of Literature in Iran Vol. ۲, ۴th edition, Tehran: Amir Kabir.

_____ (۱۹۹۱), Hamase Saraei in Iran, ۵th edition, Tehran: Amir Kabir.

Afifi, Rahim (۱۹۹۳), Introduction to Bahman-nameh, by Iranshah bin Abi-al-Khair, Tehran: Ilmi Farhangi.

Hedayat, Rezaqoli Khan (Bita), Majma al-Fashah, volume ۵, by the efforts of Mazaher Musfa, second edition, Tehran: Amir Kabir.

articles

Ahmadian Dizji, Ruqiya (۲۰۱۵), "The link between love and epic in the three poems of Shahnameh, Bahmancodeh and Kushnameh", Master's thesis, under the guidance of Dr. Atke Rasmi, Shahid Madani University of Azerbaijan.

Staji, Ebrahim (۲۰۱۳), "Structure and characteristics of epic love stories", *Dar Dari* (lyrical-mystical literature), period ۱, vol. ۱, pp. ۲۶-۴۷.

Imani, Giti (۲۰۱۸), "Structural and content comparison of the lyrical aspects of Shahnameh (Pahlavi section) and Bahmānameh", doctoral dissertation, under the guidance of Dr. Behnaz Payamani, Payam Noor University.

Jafarpour, Milad (۲۰۱۳), "In-depth analysis of the type of love and bond in the epic", *Poetry Research*, Volume ۶, Vol. ۴, pp. ۴۷-۸۱.

Jafari Qoriya Ali, Hamid (۲۰۱۰), *Evaluating Bahmānameh with Shahnameh*, Iranian Studies, Vol. ۱۵, pp. ۱۹۷-۲۲۲.

Soleimani, Kahraman (۲۰۰۰), "Epic of Kush Nameh", from the book of the month of literature and philosophy, vol. ۱۹, pp. ۳۰-۳۱.

Shafiei Kodkani, Mohammad Reza (۱۹۷۴), "Literary Genres and Persian Poetry", *Khrod wa Sooreh*, Vol. ۱۱, pp. ۱۱۹-۹۶.

Hashemian, Leila, Atoni, Behzad, (۲۰۰۹), "The moral and ruling doctrines in Bahmānameh and a survey of its Iranian and Islamic origins", *Persian language and literature*, Islamic Azad University, Sanandaj branch, year ۱۲, pp. ۱۵۷-۱۷۲.

A comparative study and comparison of love and its presence in the epic poems of Koushnameh and Bahmānameh

Maryam Ayin

PhD student, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

Dr. Hamid Tabasi (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

Dr. Nemat Esfahani Imran

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

Abstract

The two epic poems Bahman Nameh and Kush Nameh are among the national epics that were organized after Ferdowsi's Shahnameh and following it in the late ۵th and ۶th centuries and played a significant role in completing the narratives and stories of the Shahnameh. By carefully and reflecting on these two works, one can understand the necessity of ordering and printing the

works after the Shahnameh in keeping alive the Persian language and the stories of ancient Iran, which Iranshah bin Abi al-Khair, with all his love and devotion, devoted himself to order and compose it. In these two epic verses, on the occasion of many conflicts and grudges between the main characters of the story and their enemies, we are faced with numerous scenes of war and battle; So that the main characteristic in Bahman Nameh and Kush Nameh can be considered as the category of war and fighting, and the best descriptions in these two books can be considered specific to the battlefields. But in the midst of these epic stories, we come across lyrical and romantic scenes that are actually the meeting place of epic and poetry. These stories, while being epic, have the characteristics of Ghanaian stories. In this research, the author tries to investigate the love and romantic effects in these two verses by descriptive-comparative method and library tools. The results of the research indicate that these two poems are an epic poem. be; But the manifestations of love and romantic relationships can be seen everywhere in these two works.

Key words: Avalanche, epic, lyrical literature, love, Kush-nameh.